University of Sistan and Baluchestan

Journal of Historical Researches of Iran and Islam

Print ISSN: 2345 - 2099
Online ISSN: 2717 - 2953

An Examination of the Social Lifestyle of the People of Gilan in Travelogues from the Qajar Era

Maryam Pourhaghshenas[1] Reza Alizadeh[2]✉ Seyed Hashem Mousavi[3]

1. MSc in Social Science Research, Koushyar Non-Governmental and Non-Profit Institute, Rasht, Iran.
E-mail: *mry.pourhaghshenas@gmail.com*
2. Corresponding Author, Assistant Proffessor. of Research Institute of Guilan Studies, University of Guilan, Rasht, Iran.
E-mail: *rezaalizadeh@guilan.ac.ir*
3. Assistant Proffessor. of the Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. E-mail: *hmosavi@guilan.ac.ir*

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 16April2024

Received in revised form:4Augu2024

Accepted: 5Septe2024

Publishedonline: 5Nove2024

Key word:

Iran,
Lifestyle,
Travelogue,
Qajar,
Gilan,
Social Life.

ABSTRACT

Travelogues serve as significant historical and cultural resources, playing a crucial role in understanding the life, customs, and livelihood practices of people across different eras. The travelogues from the Qajar period, particularly those written by Europeans, hold special importance due to the expansion of Iran's political, economic, and cultural relations with the outside world. The Gilan region, with its unique geographical position, temperate climate, and cultural and ethnic diversity, has always attracted the attention of travelers and tourists. This research employs content analysis methods to examine the social lifestyle of the people of Gilan in seven travelogues from the Qajar era. The main categories of the research include recreation and entertainment, festivals and celebrations, food, clothing, and occupation. The findings of the research indicate that the social lifestyle of the people of Gilan during the Qajar period was shaped by various factors, including geography, economy, and culture. Agriculture, particularly rice cultivation, and fishing were identified as the primary occupations of the people of Gilan during this period. Recreational activities such as hunting, coffeehouse gatherings, and local competitions were part of the daily life of the people of Gilan.

Cite this article: **Pourhaghshenas, Maryam & Alizadeh, Reza & Mousavi, Seyed Hashem** (2024). ***An Examination of the Social Lifestyle of the People of Guilan in Travelogues from the Qajar Era***. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vo2 18, No.35 Pages:92-109.

DOI. 10.22111/jhr.2025.51050.3755

© The Author: **Maryam Pourhaghshenas& Reza Alizadeh& Seyed Hashem Mousavi**
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام
شاپا چاپی: ۲۳۴۵-۲۰۹۹
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۵۳

بررسی سبک زندگی اجتماعی مردم گیلان از منظر سفرنامه‌های عصر قاجار

مریم پورحق شناس [1] رضا علیزاده [2]✉ سید هاشم موسوی [3]

۱. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، مؤسسهٔ غیرانتفاعی و غیردولتی کوشیار، رشت، ایران. رایانامه: mry.pourhaghshenas@gmail.com
۲. استادیار پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: rezaalizadeh@guilan.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: hmosavi@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:۱۴۰۳/۰۱/۲۸
تاریخ بازنگری:۱۴۰۳/۰۵/۱۴
تاریخ پذیرش:۱۴۰۳/۰۶/۱۵
تاریخ انتشار:۱۴۰۳/۰۸/۱۵

واژه‌های کلیدی:
ایران،
سبک زندگی،
سفرنامه،
قاجار،
گیلان،
زندگی اجتماعی.

چکیده

سفرنامه‌ها به‌عنوان منابع تاریخی و فرهنگی، نقش مهمی در شناخت زندگی، آداب و رسوم، و شیوه‌های معیشت مردم در ادوار مختلف دارند. سفرنامه‌های دوره قاجار، به‌ویژه آن‌هایی که توسط اروپاییان نوشته شده‌اند، به دلیل گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با جهان خارج، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این سفرنامه‌ها نه تنها به توصیف جغرافیا و سیاست می‌پردازند، بلکه به زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم نیز توجه دارند. منطقه گیلان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، آب و هوای معتدل، و تنوع فرهنگی و قومی، همواره مورد توجه سیاحان و جهانگردان بوده است. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی شیوه و سبک زندگی اجتماعی مردم گیلان در هفت سفرنامه منتخب عصر قاجار پرداخته است. در این مقاله از آراء و نظریه ماکس وبر برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. مقوله‌های اصلی تحقیق شامل تفریح و سرگرمی، جشن و اعیاد، خوراک، پوشاک و شغل است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شیوه و سبک زندگی اجتماعی مردم گیلان در دوره قاجار تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله جغرافیا، اقتصاد و فرهنگ شکل گرفته است. کشاورزی، به‌ویژه کشت برنج و ماهیگیری به‌عنوان اصلی‌ترین مشاغل گیلانیان در این دوره شناخته شده است. نقش زنان در این فعالیت‌ها نیز بسیار پررنگ بوده است. فعالیت‌های تفریحی مانند شکار، قهوه‌خانه‌نشینی و مسابقات محلی بخشی از زندگی روزمره مردم گیلان را تشکیل می‌دادند.

استناد: پورحق شناس، مریم و علیزاده، رضا و موسوی ، سید هاشم (۱۴۰۳) ***بررسی سبک زندگی اجتماعی مردم گیلان از منظر سفرنامه‌های عصر قاجار***،محله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان، ۱۴۰۳، دوره ۱۸، شماره ۲ ، شماره پیاپی۳۵، ۹۲-۱۰۹.

DOI. 10.22111/jhr.2025.51050.3755

© نویسندگان . **مریم پورحق شناس و رضا علیزاده و سید هاشم موسوی**
ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام
شاپا چاپی: ۲۳۴۵-۲۰۹۹
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۵۳
پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۸، شماره ۳۵ پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقدمه

سفرنامه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی و فرهنگی، پنجره‌ای به‌سوی زندگی، آداب و رسوم و شیوه‌های معیشت مردم در ادوار مختلف بازی می‌کنند. سفرنامه‌ها از جمله وسایل و ابزار دست یابی برای آشنایی با غنای فرهنگی، شناخت تفاوت‌ها، بازشناسی خویش، انتقال تجربیات و حفظ آداب و رسوم هستند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹:۱۷۹–۱۸۰). سفرنامه نویسی نوعی غوطه‌ور شدن در فرهنگ بیگانه است که در آن ما را با دیگری آشنا می‌سازد، در سفرنامه نویسی نوعی تکثر وجود دارد که به ما اجازه می‌دهد تا خوانندگان با دنیاهای غریب آشنا شوند (استابز، ۲۰۱۴:۱– ۲). سفرنامه نویسی سیاحان خارجی از عصر صفویه سرعت بیشتری پیدا نمود از زندگی روزمره تا اندرونی کاخ مورد مطالعه قرار گرفته است (بخشی استاد، ۱۴۰۱؛ هژیریان، ۱۴۰۰؛ ذهابی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کجباف و مومنی، ۱۳۹۱)؛ اما سفرنامه‌های عصر قاجار، به دلیل گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با جهان خارج، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این سفرنامه‌ها نه تنها به توصیف جغرافیا و سیاست می‌پردازند، بلکه به زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم نیز توجه ویژه‌ای دارند. از ویژگی‌های شاخص عصر قاجار، استمرار سنت‌های کهن و وجود لایه‌های اجتماعی سنتی از یک سو و پیدایش طبقات و نیروهای اجتماعی جدید و نقش آفرینی هر یک از این طبقات و نیروها در مجموعه تحولات این دوران است، همچنین در عصر قاجار نوعی آگاهی طبقات شکل گرفت (مدیرشانه‌چی، ۱۳۹۰: ۳۷). در این میان، منطقه گیلان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، آب و هوای معتدل و تنوع فرهنگی و قومی، همواره مورد توجه سیاحان و جهانگردان بوده است. گیلان به‌عنوان استانی سرسبز و پررونق ایران، دارای تاریخ و فرهنگی غنی است که در طول قرن‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله جغرافیا، اقتصاد و تعاملات فرهنگی شکل گرفته است. در دوره قاجار، گیلان به دلیل نزدیکی به دریای خزر و دسترسی به راه‌های تجاری، از اهمیت اقتصادی و استراتژیک بالایی برخوردار بود. این منطقه همچنین به دلیل تنوع قومی و فرهنگی، همواره مورد توجه سیاحان و مورخان قرار گرفته است. سفرنامه‌های این دوره، به‌ویژه آن‌هایی که توسط اروپاییان نوشته شده‌اند، اطلاعات ارزشمندی درباره شیوه زندگی، آداب و

رسوم و ساختار اجتماعی مردم ارائه می‌دهند. شیوه زندگی اجتماعی گیلانی‌ها در سفرنامه‌های عصر قاجار، موضوعی است که از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است. این سفرنامه‌ها نه تنها به توصیف ظواهر زندگی روزمره مردم می‌پردازند، بلکه به تحلیل ساختارهای اجتماعی، روابط خانوادگی، نقش زنان و مردان در جامعه و تعاملات فرهنگی و اقتصادی نیز توجه دارند. در این میان، مسائلی همچون نقش کشاورزی و ماهیگیری در اقتصاد محلی، تأثیر جغرافیا بر سبک زندگی و جایگاه دین و اعتقادات در زندگی اجتماعی مردم گیلان، از جمله موضوعاتی هستند که در سفرنامه‌ها به آن‌ها پرداخته شده است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی اجتماعی در گیلان که در سفرنامه‌های عصر قاجار به آن اشاره شده است، نقش کشاورزی و به‌ویژه کشت برنج در زندگی آن‌هاست. گیلان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق تولید برنج در ایران، همواره وابستگی شدیدی به این محصول داشته است. سفرنامه نویسان به توصیف دقیق مراحل کشت، داشت و برداشت برنج پرداخته‌اند و از نقش زنان و مردان در این فرآیند سخن گفته‌اند. همچنین، ماهیگیری به‌عنوان یکی دیگر از منابع درآمدی مردم گیلان، در این سفرنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی گیلان در کنار دریای خزر، باعث شده تا ماهیگیری به یکی از مشاغل اصلی ساکنان این منطقه تبدیل شود. علاوه بر این، ساختار اجتماعی مردم گیلان نیز در سفرنامه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه گیلان در دوره قاجار، جامعه‌ای عمدتاً روستایی و کشاورز بوده است که بر پایه خانواده و خویشاوندی استوار شده بود. روابط خانوادگی در این جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و نقش زنان در مدیریت خانه و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، بسیار پررنگ است. سفرنامه نویسان به جشن‌ها و سرگرمی‌ها و از جایگاه ویژه آنان در جامعه گیلان سخن گفته‌اند. از سوی دیگر وضعیت خوراک و پوشاک گیلانی‌ها، از جمله موضوعاتی است که در سفرنامه‌ها به آن پرداخته شده است. گیلان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، از مواد و عناصر مختص منطقه از غذاها و البسه خاص خود استفاده کرده است، به همین دلایل توجه سفرنامه نویسان به این مهم وجود داشته است. با توجه به این مسائل، بررسی شیوه و سبک زندگی اجتماعی مردم گیلان در سفرنامه‌های عصر قاجار، نه تنها به درک بهتر از تاریخ و فرهنگ این منطقه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات تطبیقی درباره تأثیر جغرافیا، اقتصاد و فرهنگ بر شیوه‌های زندگی اجتماعی در دیگر مناطق ایران نیز باشد. این پژوهش با استفاده از روش‌های تحلیل تاریخی و

جامعه‌شناختی و تکنیک تحلیل محتوا، به دنبال پاسخ به این پرسش است که سفرنامه‌های عصر قاجار چگونه شیوه زندگی اجتماعی گیلانیان را بازتاب داده‌اند و کدامیک از آن‌ها دارای فراوانی بیشتری هستند. البته سفرنامه‌های زیادی در خصوص گیلان نوشته شده است اما در مقاله حاضر سفرنامه‌های اروپاییان که توجه بیشتری به شیوه و سبک زندگی اجتماعی مردم گیلان داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفته است. البته درباره شیوه زندگی ایرانیان سفرنامه‌های مختلفی نوشته شده است که محققان درباره آن مقالاتی تدوین کرده‌اند، مثلاً :مبینی و فیضی (۱۴۰۱) در مقاله‌ایی با عنوان «مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان دربار و اشراف دوره صفوی و دوره عثمانی بر اساس سفرنامه‌ها و تصاویر نگارگری» با روش توصیفی- تطبیقی و شیوه گرد آوری کتابخانه‌ای نشان داد که اجزای پوشاک بانوان عثمانی از جمله پیراهن زیر، پیراهن رو و پاپوش و شلوار بسیار شبیه پوشاک بانوان ایرانی در عصر صفوی است. یا در تحقیقی دیگر دنیاری و داودی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی زنان شهری و روستایی در عصر قاجار بر اساس سفرنامه‌ها و اسناد خارجی» با استفاده از روش تاریخی توصیفی- تحلیلی به این نتیجه رسید که هر دو گروه شهری و روستایی در بخش کشاورزی، قالی بافی، صنایع دستی فعال بودند. در خصوص ازدواج و رسوم آن منصوربخت و حسینی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «آداب ازدواج ایرانیان در دوره قاجار از منظر سفرنامه‌ها» اشاره می‌کند در میان اقوام مختلف ایرانی با توجه به رسوم قومی‌شان، اشکال متنوعی از ازدواج وجود داشته است. اما آنچه در میان همه اقوام تقریباً مشترک بوده، چند همسرگزینی بوده که بیشتر در طبقات مرفه به چشم می‌خورد. درباره پوشاک عصر صفوی، نقوی و مراثی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون اصفهان» با روش تحقیق تاریخی نشان می‌دهند «تاج حیدری» معرف‌ترین کلاه عصر صفوی از سقرالات سرخ با دوازده ترک نشان ویژه قورچی‌ها و قوللر در جنگ بود. این تاج پس از شاه اسماعیل و شاه طهماسب جنبه تشریفاتی یافته، شاه و درباریان دور آن دستاری سپید رنگ می‌پیچیدند، آن را به انواع جواهرات می‌آراستند و به‌صورت «تاج طومار» بر سر می‌گذاشتند، «مندیل» کلاه قوالان و ساقیها و «بورک» کلاه مخصوص شاطران و جزایریها بود. در مقالات خارجی هم اسدی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «آداب پذیرایی در دوره قاجار ایران از دیدگاه گردشگران اروپایی» در این مطالعه، ادراک نویسندگان سفرنامه‌ها از فرهنگ غذایی ایران نوشته شده است. بیشتر گزارش‌ها نشان می‌دهد که غذای ایرانی

تنوع زیادی ندارد، اما برخی از غذاها مانند برنج ایرانی و کباب که در میان غذاهای ایرانی بسیار محبوب هستند، به عنوان غذاهای بسیار خوشمزه معرفی شده‌اند. همچنین از پخت نان‌های مختلف و شربت‌های بسیار خوشمزه و مقوی ایرانی گزارش شده است. طلایی حاتم و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «تصاویر اجتماعی و فرهنگی آداب و رسوم قاجار–ایران در سفرنامه اروپا» با هدف بررسی واکنش جهان‌گردان اروپایی به آداب و رسوم دوران قاجار، مقایسه تغییرات آداب و رسوم آن دوره با دوران کنونی و شناسایی عوامل مؤثر بر مسیر تغییرات آداب و رسوم است. علاوه بر این، فرض بر این است که برخی از اروپایی‌ها هنگام مواجهه با آداب و رسوم ایرانی، از فرهنگ ایران انتقاد کرده‌اند. آداب و رسوم مرتبط با جشن‌ها و عزاداری‌ها از دوران قاجار تاکنون تغییرات قابل توجهی کرده‌اند و مشخص شده است که تغییرات اجتماعی و سیاسی همراه با مسائل جهانی‌سازی بر تحول آداب و رسوم تأثیرگذار بوده‌اند. روش جمع‌آوری داده‌های این مطالعه، روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر روش تحلیلی و توصیفی است. در حالی که یک مدل ۸ عاملی مؤثر بر تغییر فرهنگ شناسایی و معرفی شده است، نقش مهم تغییرات اجتماعی و فرهنگی و جهانی‌سازی در تغییر فرهنگ و تحول آداب و رسوم تأیید شده است. همچنین در خصوص بازی‌ها و سرگرمی‌ها برجسته و وان درون (۲۰۰۷) در مقاله‌ای یا عنوان «مقدمه‌ای بر سرگرمی در ایران قاجار» تا آنجا که اسناد مکتوب و روایات شفاهی نشان می‌دهد، سرگرمی در عصر قاجار همه جنبه‌های زندگی اعم از عمومی و خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌داد. برخلاف تصور غربی‌ها در مورد این دوره، جامعه قاجاریه تنوع زیادی از سرگرمی‌ها را به نمایش گذاشت که بسیاری از آنها (حتی در زمان عمومی) برای بیگانگان قابل مشاهده نبود، با توجه به محدودیت‌های یک جامعه به شدت سنتی و ماهیت طبقاتی بسیاری از آنها سرگرمی‌هایی که نیاز به دسترسی به دربار، اشراف یا پناهگاه‌های درونی خانه‌های بزرگان دارد. با این وجود، تصویری که اکنون نمایان می‌شود، تصویری از فراوانی است تا فقر، بنابراین نگاه دقیق‌تر به انواع سرگرمی‌ها بسیار مرتبط و درست است. تحقیقات درباره مطالعات پیشین نشان می‌دهد پژوهشی مجزا تاکنون درباره موضوع ذکر شده درباره گیلان انجام نشده است و پژوهش حاضر با استفاده روش تحقیق کمی، که یافته‌های آن از طریق داده‌های آماری و یا کمی کردن حاصل شده با هدف شناسایی، طبقه بندی و استخراج مفاهیم بر اساس مطالعه متون از ۷ سفرنامه سیاحان عصر قاجار که عبارتند از الکساندر خودزکو، جیمزبیلی فریزر، چارلز

مکنزی، گریگوری ملگونف، مادام کارلاسرنا، ارنست اورسل، یاسنت لوئی رابینو استخراج شد و سپس داده‌ها کدگذاری شده و سرانجام پس از تجزیه و تحلیل مطالب، کدهای به بدست آمده در جداولی تنظیم شد، همچنین فراوانی و درصد توجه به هریک از مقوله‌ها نیز با استناد به سفرنامه‌های منتخب و مورد مطالعه، استخراج شد.

جدول شماره ۱: اطلاعات سفرنامه نویسان و جهانگردان مورد مطالعه

نام جهانگرد	ملیت	زمان سفر	موضوع سفرنامه	هدف از سفر	دوره قاجار
الکساندر خودزکو	لهستانی	۱۸۳۰ م	جغرافیا	سیاسی	محمدشاه
جیمزبیلی فریزر	اسکاتلندی	۱۸۳۳ م	جغرافیا	سیاسی	فتحعلی شاه
چارلز مکنزی	انگلیسی	۱۸۵۸ م	جغرافیا	سیاسی	ناصرالدین شاه
گریگوری ملگونف	روسی	۱۸۶۰ م	جغرافیا	سیاحت و تحقیق	ناصرالدین شاه
مادام کارلاسرنا	ایتالیایی	۱۸۷۷ م	آداب و رسوم	سیاحت	ناصرالدین شاه
ارنست اورسل	بلژیک	۱۸۸۲ م	جغرافیا	تحقیقی	ناصرالدین شاه
یاسنت لوئی رابینو	فرانسوی	۱۸۸۵ م	جغرافیا	سیاسی	ناصرالدین شاه

چارچوب نظری

مفهوم شیوه زندگی اجتماعی در طی زندگی روزمره انسان خلق می‌شود. البته شیوه زندگی اجتماعی در جوامع متفاوت است. حتی در تحولات دوران‌هایی مانند صنعت، کشاورزی و خدمات هر کدام شیوه زندگی اجتماعی خود را بوجود می‌آورند. در شیوه زندگی اجتماعی، شغل، وظایف خانه داری، فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی، اهمیت فراوانی دارند. البته در عصرمدرن شیوه زندگی اجتماعی به سبک زندگی تغییر نام یافته است. وبلن بر مفهوم شیوه زندگی متمایز تاکید دارد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۲). وی با استفاده از واژه طبقه تن آسا اعتقاد دارد این طبقه برای کسب تمایز و منزلت اجتماعی با یکدیگر و سایر افراد جامعه چالش و رقابت دارند، آن‌ها با ثروت که بیشتر جنبه نمایشی دارد، خود را ازدیگران متمایز می‌سازند. از دیدگاه وبر شیوه زندگی با مفاهیم، طبقه و منزلت اجتماعی مرتبط است. به تعبیری از آن‌جا که افراد در طبقه‌ها و قشرهای مشابه سبک یا سبک‌های زندگی مشابهی دارند، بنابراین با دریافت این که چه رفتارهایی دارند، چه می‌پوشند، اوقات فراغت خود راچگونه می‌گذرانند چه اعمالی انجام می‌دهند که نشان دهنده سبک زندگی آنها است، می‌توان طبقه و منزلت اجتماعی آنان را مشخص

نمود. وبر برای بیان و توضیح طبقه اجتماعی از مفهوم منزلت اجتماعی سخن می‌گوید. متغیر موضع طبقاتی با منزلت آنها در اجتماع رابطه همبستگی دارد. این همبستگی از طریق سبک‌های شایسته زندگی، احترام و فخر اجتماعی تبیین می‌شود. به تعبیری افراد با در نظر گرفتن گروه‌ها، طبقه‌ها و قشرهایی که متعلق به آنها هستند از سبک زندگی و تفکراتی خاص خودشان برخوردار هستند. برخلاف مارکس که در تحلیل‌هایش قائل به نقش کلیدی تولید بود، تبیین و تفسیرهای وبر از گروه‌های منزلتی مبتنی بر الگوهای مصرف بود (کوزر،۱۳۹۳: ۳۱۳-۳۱۴). وبر قشر بندی اجتماعی را حاصل از سه قسمت طبقه، گروه منزلت و حزب می‌داند و مفهوم سبک زندگی حاصل بسط تاملات وبر درباره گروه‌های منزلت است. ویژگی اصلی سبک زندگی از نظر وبر قدرت انتخاب افراد برای گزینش شیوه‌ی زندگی است. البته نقش محدودیت‌ها، شرایط و اقتضائات اجتماعی و اقتصادی و عوامل محیطی را در این انتخاب و گزینش انکار نمی‌کند. همچنین از منظر کارکردگرایی، دو کارکرد مهم برای سبک زندگی قائل است. از یک طرف تفاوت بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی را آشکار می‌کند و از سوئی سبب انسجام و همبستگی میان گروه‌های منزلتی و افراد یک طبقه اجتماعی می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۷). البته ذکر این نکته ضروری است که دو مفهوم طبقه اجتماعی و منزلت اجتماعی از نظر وبر دو مفهوم مجزا و متفاوت هستند. طبقه از نظر وی به گروهی از افراد که وضعیت اقتصادی یا وضعیت کسب و کار یکسانی دارند منتسب می‌شود و مبتنی بر مشترکات آنها است. ولی منزلت اجتماعی بر ارزش‌گذاری و ارزیابی اجتماع صرف نظر از مثبت یا منفی بودن این ارزش‌یابی استوار است و به عنوان یک قاعده کلی سبک خاصی از زندگی را به وجود می‌آورد؛ بنابراین کسی که در این ارزش‌یابی منزلتی از سطوح بالای منزلتی بهره‌مند است سبک زندگی‌اش با کسی که از سطح زندگی و منزلتی بالایی برخوردار نیست متفاوت است. در این خصوص سبک زندگی و منزلت اجتماعی با طبقه اجتماعی در ارتباط است (ریتزر،۱۳۹۳:۱۸۳). در مقاله حاضر با استفاده از نظریات ماکس وبر جامعه شناس تاریخی در خصوص منزلت اجتماعی و بحث طبقات داده‌ها تحلیل خواهد شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش شاخص‌های عملیاتی پنج مقوله استخراج شده از سفرنامه‌ها به صورت جداول تجمیعی ارائه می‌گردد. در توضیحات جداول هم نمونه‌هایی از جملات سفرنامه نویسان درباره شاخص‌ها ذکر

خواهد شد. مقولات استخراج شده از سفرنامه‌ها درباره شیوه زندگی اجتماعی گیلان عبارتند از: مقوله تفریح و سرگرمی، مقوله جشن و اعیاد، مقوله خوراک، مقوله پوشاک، مقوله کار و شغل.

جدول شماره ۲: مقوله تفریح و سرگرمی

شاخص‌های عملیانی	فراوانی	درصد
مسابقات بومی و محلی	۲	۱۱/۷
قهوه خانه نشینی	۷	۴۱/۲
شکار	۸	۴۷/۱
مجموع	۱۷	۱۰۰

همانطور که داده‌های سفرنامه‌ها نشان می‌دهد به سه شاخص در مقوله تفریح و سرگرمی اشاره شده است. در شاخص شکار به شکار گراز و قرقاول و شکارگاه تاکید داشته‌اند، در قهوه خانه نشینی به نوشیدن چای، دود سیگار در قهوه خانه‌ها و گپ و گفت افراد و در مسابقات بومی و محلی هم به برگزاری کشتی محلی و جنگیدن گاوهای نر با یکدیگر اشاره دارند. ملگونف در خصوص مسابقات محلی می‌نویسد «در ماسوله جنگیدن گاوهای نر با یکدیگر نوعی تفریح محلی است» (ملگونف، ۱۳۷۶:۲۹۶)؛ اما قهوه خانه نشینی موردی است که رابینو در سفرنامه‌اش بیان می‌کند «مردم درقهوه خانه‌هایی که همه جا به چشم می‌خورد اوقات خود را به نوشیدن چای و دود کردن سیگار و گپ زدن می‌گذرانند» (ملگونف، ۱۳۵۷:۲۶). ورزش‌های محلی از مواردی است که رابینو در سفرنامه می‌نویسد «مردان گیلانی، درتابستان ها غالباً باهم کشتی‌های دوستانه برقرار می‌کنند». یا در خصوص شکار این طور آورده «گیلک‌ها در زمستان وقتشان را به شکار گراز می‌گذرانند» (ملگونف، ۱۳۵۷: ۱۶).

جدول شماره ۳: مقوله جشن و اعیاد

شاخص‌های عملیانی	فراوانی	درصد
مراسم ازدواج	۱۳	۷۶/۴
مراسم چهارشنبه سوری	۴	۳۳/۶
مجموع	۱۷	۱۰۰

در مقوله جشن و اعیاد در سفرنامه‌های مورد مطالعه به مراسم ازدواج و مراسم چهارشنبه سوری اشاره شده است. در مراسم ازدواج به شاخص‌هایی مانند خواستگاری خانواده پسر از خانواده دختر، حضور

ریش سفیدان در مراسم خواستگاری، پرداخت شیربها به خانواده عروس از طرف خانواده داماد، حمل جهزیه عروس تا خانه داماد با چهارپایان، تشریفات عروسی، هدیه دادن به عروس و داماد در روز عروسی و در شاخص مراسم چهارشنبه سوری به مفاهیمی مانند آتش افروختن و پریدن از آن، خواندن ترانه محلی و داشتن دعای خیر برای هم اشاره دارند. خودزکو در سفرنامه‌اش در رابطه با چهارشنبه سوری این طور بیان می‌کند «در گیلان شب آخرین چهارشنبه سال (قبل از اعتدال بهاری)، زنان و مردان در گروه‌هایی جداگانه در ساحل دریا آتش می‌افروزند». او همچنین ادامه می‌دهد «زنان و مردان در همان حال که از شعله‌های سرکش آتش می‌پرند، طنین این ترانه محلی در افق اوج می‌گیرد: گول گول چهارشنبه بحق پنج شنبه؛ نکبت بشه دولت بایه» (خودزکو، ۱۳۸۵:۴۳)؛ اما کارلاسرنا سفرنامه‌اش در خصوص ازدواج آورده است «مراسم جشن‌های عروسی معمولاً از سه روز تا چند هفته، بسته به موقعیت عروس و داماد، ادامه می‌یابد». در ادامه بیان می‌کند «عده زیادی از دوست و آشنا، عروس را تا خانه همسر آینده‌اش همراهی می‌کنند و با جاه و جلال دور دامن لباس عروسی‌اش را می‌گیرند. این قسمت عروسی از سلسله مراسمی است که خیلی به آن تشریفات قائل می‌شوند». (کارلاسرنا، ۲۶۰:۱۳۶۲) رابینو درباره شیوه بردن عروس می‌نویسد «بردن عروس به خانه داماد در روستاهایی که راه اتومبیل رو ندارد، بوسیله اسب انجام می‌شود و عده‌ای سوار، عروس را به خانه داماد همراهی می‌کنند» (رابینو، ۱۳۵۷: ۲۰۲).

جدول شماره ٤: مقوله خوراک

شاخص‌های عملیاتی	فراوانی	درصد
غذاهای اصلی	۲۰	۸۷
روش طبخ	۳	۱۳
مجموع	۲۳	۱۰۰

در مقوله خوراک به غذاهای اصلی مردم گیلان مانند برنج پخته با آب (کته)، ماهی و ماهی شور، گو شت دام و طیور، ترکیب موادغذایی و ا ستفاده از روغن جهت طبخ غذاها ا شاره می‌کنند. رابینو در خصوص غذاهای اصلی مردم گیلان می‌نویسد «مصرف نان محدود به مردمی است که از خارج می‌آیند و مردم مراکز بزرگ جمعیت مثل رشت، لاهیجان، انزلی و یا کوه نشین ها نان مصرف

نمی‌کنند. غذای اصـــلی آن‌ها عبارت از چلو (برنج پخته با آب) و تکه‌ای ماهی شـــور اســـت. از نظر طبقات فقیر مردم گیلان و مازندران، نان غذای ناسالمی محسوب می‌شود. غذای اصلی اهالی گیلان برنج است که با آن نان و نان شیرینی مطبوعی تهیه می‌کنند» (رابینو، ۱۳۵۷: ۱۹). اورسل در همین رابطه می نویسد: «اهالی قصبات گیلان که عادت به خوردن گوشت و برنج دارند، اغلب کرانه‌های خزر بیشـــتر ماهی فلس دار می‌خورند، ژروم با دو مرغ که آنها را چاپارخانه چی گرفته بود و مقداری برنج، شام مطبوعی که خیلی خوشمزه‌تر از ساردین‌های نانت بود تهیه نمود» (اورسل، ۱۳۷۹: ۱۷۸–۱۸۳)؛ اما خودزکو می‌نویسد:«گیلانی‌ها زیتون را در مخلوطی از گردوی ساییده شده و رب انار ترش، به اصـــطلاح پرورده می‌کنند، ســـرکه و عصـــاره لیمو و رب انار و فلفل و دیگر مواد ترش و یا تند به عنوان چاشنی به خورد گوشت و سبزی می دهند، غذایی که از آشپزخانه یک بورژوای گیلانی خارج می شود و در امواجی از روغن غوطه می‌خورد، به علاوه در این شیوه از طبخ، ادویه به فراوانی به کار می‌رود. در سراسر سرزمین ایران تنها اینجاست که از گوشت گاو استفاده می شود و آن را در بازارها می‌فروشند، ماهی شور را بیشتر به عنوان چاشنی به کار می‌برند تا این که به عنوان یک رکن اساسی غذا و خوراک اساسی او برنج است، طبخ شده به صورت کته و ماهی شور» (خودزکو، ۱۳۸۵:۷۵–۷۶).

جدول شماره ۵: مقوله پوشاک

شاخص‌های عملیاتی	فراوانی	درصد
لباس مردانه	۱۸	۶۹/۲
لباس زنانه	۸	۳۰/۸
مجموع	۲۶	۱۰۰

در مقوله پوشاک به لباس‌های مردان و زنان اشاره می‌کنند. در لباس مردان بیشتر به کلاه، نیم تنه، شلوار اشاره داشته سپس به کت، بلوز، جوراب و چارق اشاره می‌کنند، در لباس زنان بیشتر به پیراهن اشاره کرده‌اند، سپس چادر، چارق، دامن چین دار، پاچین، نیم تنه اشاره کرده‌اند. رابینو در خصوص لباس مردانه آورده «مردان کلاه پشمی درازی به سر می‌گذراند، مردها شلواری از پارچه پشمین کلفت و یک کت بدون آستین از همان پارچه می‌پوشند، گیلک‌ها جوراب نیز به پا می‌کنند. رابینو درباره لباس زن‌ها این طور می‌نویسد: در سیاه کله رود زنان چادر سر نمی‌کنند و یک نوع

کفش چوبی به نام پاکتیل که برای من تازگی داشت به پا داشتند» (رابینو، ۱۳۵۷: ۱۳۸)؛ اما فریزر این طور می‌نویسد «کوه نشین‌های تالش غالباً شلوارهای گشادی به تن می‌کنند که در ناحیه مچ پا تنگ می‌شود، کوه نشینان طالش پیراهنی از ابریشم سرخ یا آبی که از میان بلوز یخه باز جلوه‌ای خوب دارد، گیلک‌ها از یک عرقچین که گاهی مخروطی و از چیت به رنگ باز یا از شال بسیار سوزن دوزی شده تهیه گردیده، استفاده می‌کنند» (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۲۶). اورسل در سفرنامه‌اش می‌نویسد «لباس اغلب مردها را یک زیر پیراهنی ساده رنگین که سینه‌اش باز بود تشکیل می‌داد» (اورسل، ۱۳۷۹: ۱۷۶)؛ اما خودزکو مطرح می‌کند که «در روزهای عید و به هنگام ملاقات با حاکم ایالت، گیلانی لباسی از ماهوت به بر تن می‌کنند، یک گیلک وقتی به ساده‌ترین صورت لباس پوشیده باشد، پوشاکش از سه تیکه تشکیل می‌شود، یک عرقچین در تابستان و با یک کلاه نوک تیز از پوست گوسفند در زمستان، یک پیراهن از پارچه ضخیم پنبه‌ای. زنان گیلک اعم از فقیر و غنی با پیراهنی از ابریشم و یا کتان نقش دار، شلوار و سربندی از پارچه ابریشمین و محصول کارگاه‌های خانگی، به کار می‌پردازند» (خودزکو، ۱۳۸۵:۷۴).

جدول شماره ٦: مقوله کار و شغل

شاخص‌های عملیانی	فراوانی	درصد
کشاورزی	۵۸	۵/۲۵
صنعت ابریشم	۵۸	۵/۲۵
دامپروری	۳۶	۸/۱۸
باغداری	۱۷	۵/۷
ماهیگیری	۱۷	۵/۷
صنایع دستی	۱۳	۷/۵
قایقرانی	۶	۶/۲
پرورش طیور	۶	۶/۲
شکار	۶	۶/۲
ساخت زغال	۶	۶/۲
زنبورداری	۵	۱/۲
جمع	۲۲۸	۱۰۰

داده‌های فوق، شاخص‌های مقوله شغل گیلانی‌ها در سفرنامه‌های اروپاییان عصر قاجار را نشان می‌دهد، داده حاکی از آن است در شغل کشاورزی به کشت برنج و حبوبات، در صنعت ابریشم به پرورش کرم ابریشم و پارچه‌های ابریشمی، در باغداری به مفاهیمی همچون تولید مرکبات و باغات زیتون، درصنایع دستی به بافت پارچه، بافت جوراب، چموش دوزی و محصولات حصیری توجه شده است. رابینو در خصوص زنبورداری اشاره می‌کند «محصولات تولم عبارت است از: برنج، ابریشم، توتون و مقدار کمی عسل» (رابینو، ۱۳۵۷: ۲۲۵). خودزکو در مورد زنبورداری می‌نویسد «در شاندرمن ابریشم و دام و گندم و عسل تولید می‌کنند» (خودزکو، ۱۳۸۵: ۱۰). ملگونف بیان می‌کند «اهالی گرگان رود به کشاورزی و پرورش کرم ابریشم، زنبور عسل و دامداری اشتغال دارند» (ملگونف، ۱۳۷۶: ۳۱۲). رابینو در خصوص ماهیگیری آورده «روستائیان لشت نشا علاوه بر کشاورزی به صید و ساختن طناب اشتغال دارند» (رابینو، ۱۳۵۷: ۲۹۶). همچنین در سفرنامه کارلاسرنا آمده «در انزلی هنگام فصل صید ماهی بر تعداد جمعیت به نحو چشمگیری اضافه می‌شود و آن‌ها در کار شیلات به نمک سود کردن ماهی‌ها و تهیه خاویار مشغول می‌شوند، اغلب مردم انزلی به ماهیگیری، قایقرانی و باغبانی اشتغال دارند» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲:۲۹۳). رابینو در خصوص حرفه صنایع دستی در سفرنامه‌اش این گونه بیان می‌کند «چادرنشینان پارچه‌های پشمین سیاه چادر و گلیم و جاجیم و پلاس و سایر پارچه‌های کنفی می‌بافند» (رابینو، ۱۳۵۷:۳۰۶). کارلاسرنا در سفرنامه خود مطرح می‌کند «صنعت مخصوص انزلی، بوریابافی است» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۲۹۳)؛ اما در سفرنامه خودزکو آمده «زنان روستایی در ارتفاعات گسکر و شفت و سایر ولایات کوهستانی این ایالت به بافت نوعی پارچه پشمی ضخیم مشغولند» (خودزکو، ۱۳۸۵: ۹۱). اورسل نیز در سفرنامه‌اش می‌نویسد «در بعضی از دکان‌های محقر گیلان نمونه‌های اعلایی از پرده‌های گلدوزی را که فقط زن‌های رشتی بافتن آن را بلد هستند، به معرض فروش گذاشته‌اند» (اورسل، ۱۳۷۹: ۱۷۲)؛ اما رابینو در باره شکار این طور می‌نویسد که «مردم کلشتر شکارگران دلیر و بی‌پروائی هستند» (رابینو، ۱۳۵۷: ۳۱۵). خودزکو در سفرنامه‌اش در رابطه با شکار می‌نویسد «زندگی مردم انزلی از قایقرانی و صید و شکار پرندگان دریایی می‌گذرد» (خودزکو، ۱۳۸۵: ۱۰).

مکنزی در باره پرورش مرغ و طیور در سفرنامه‌اش آورده «لانه مرغ و خروس‌ها در فاصله‌ای ساخته شده بود و چند پا از سطح زمین ارتفاع داشت که نشان از مرسوم بودن پرورش طیور درخانه‌های گیلانی است» (مکنزی، ۱۳۵۹: ۴۷). یا اورسل در کتابش عنوان می‌کند که «بعضی از گیلانی‌ها از شبیخون راسوها مرغان خانگی را در لانه نگه می‌دارند» (اورسل، ۱۳۷۹: ۱۷۶). رابینو درباره باغداری این طور بیان می‌دارد که «انواع میوه مخصوصاً به گلابی و سیب که در لیسار و هره دشت به حد وفور دیده می‌شود» (رابینو، ۱۳۵۷: ۱۰۰). مکنزی نیز در سفرنامه‌اش آورده «در قاسم آباد بالا باغات عالی است، در پلورود در شیب شمالی تپه‌ها درختان توت و پرتقال و نارنج و لیمو فراوان و عالی بود» (مکنزی، ۱۳۵۹: ۴۱-۴۴)؛ اما ملگنوف در کتابش عنوان می‌کند «منجیل به داشتن درختان زیتون که به مقدار زیاد در آن می‌رویند شهرت دارد» (ملگنوف، ۱۳۷۶:۳۰۱). رابینو در صفحه ۳۱۵ سفرنامه‌اش در رابطه با کشاورزی می‌نویسد «برنج و گندم سفید در کلشتر به عمل می‌آید» (رابینو، ۱۳۵۷: ۳۱۵). ملگنوف در خصوص کشاورزی عنوان می‌کند «ساکنان عمارلو به کشاورزی و دامپروری اشتغال دارند» (ملگنوف، ۱۳۷۶: ۳۰۳). رابینو در صفحه ۳۵۳ سفرنامه‌اش آورده «مهم‌ترین صنعت اهالی لاهیجان ابریشم و قلاب دوزی با ابریشم است» (رابینو، ۱۳۷۶: ۳۵۳). مکنزی در کتابش در خصوص صنعت ابریشم عنوان می‌کند «ابریشم لاهیجان از سایر نقاط گیلان بهتر است» (مکنزی، ۱۳۵۹: ۷۶). ملگنوف این طور می‌نویسد «در کلیه روستاهای گیلان سفلی، ابریشم جمع آوری و طبقه بندی می‌شود. گیلان به پرورش کشت ابریشم شهرت دارد» (ملگنوف، ۱۳۷۶: ۳۲۴). اورسل در سفرنامه‌اش آورده «تجارت عمده رشت، ابریشم خام است» (اورسل، ۱۳۷۹: ۱۷۲). خودزکو در کتابش در خصوص دامداری و دامپروری عنوان می‌کند «در گالش‌ها شغل دامداری از پدر به پسر می‌رسد» (خودزکو، ۱۳۸۵: ۷۷). ملگنوف در سفرنامه‌اش آورده «در کوه‌های ماسوله چراگاه‌های وسیع و حاصلخیزی وجود دارد که در تابستان گله‌های بزرگی از گاو و غیره را در آنجا می‌چرانند» (ملگنوف، ۱۳۷۶: ۲۹۶). فریزر این طور بیان می‌دارد «مردم ماسوله چنانکه دیدیم از حیث دارا بودن گله و رمه غنی بودند» (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۲۶).

در مجموع رابینو با ۴۰/۲ درصد سپس خودزکو با ۲۹/۲ درصد بیشترین توجه را به شاخص‌های شیوه زندگی اجتماعی مردم گیلان نشان دادند. همچنین ملگونف با ۱۲/۵ درصد، مکنزی با ۷/۴ درصد، فریزر با ۳ درصد، اورسل با ۲/۹ درصد و سرنا با ۲/۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نکته قابل توجه آن‌که مشاغل مردم گیلان مورد توجه همه سیاحان مورد مطالعه بوده است.

نتایج پژوهش

بررسی ها نشان داد سفرنامه‌های عصر قاجار به عنوان منابعی غنی و ارزشمند، پنجره‌ای به سوی زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم گیلان در آن دوره گشوده‌اند. این سفرنامه‌ها نه تنها به توصیف ظواهر زندگی روزمره پرداخته‌اند، بلکه به تحلیل ساختارهای اجتماعی، روابط خانوادگی، نقش زنان و مردان در جامعه و تعاملات فرهنگی و اقتصادی نیز توجه ویژه‌ای داشته‌اند. از طریق این سفرنامه‌ها، می‌توان به درک عمیق‌تری از شیوه زندگی اجتماعی مردم گیلان در دوره قاجار دست یافت. کشاورزی، به ویژه کشت برنج و ماهیگیری به عنوان اصلی‌ترین مشاغل گیلانی‌ها در این دوره شناخته شده‌اند. این فعالیت‌ها نه تنها منبع اصلی درآمد بودند، بلکه به شدت بر سبک زندگی و فرهنگ محلی تأثیر گذاشته‌اند. نقش زنان در این فعالیت‌ها نیز بسیار پررنگ بوده است. جامعه گیلان در دوره قاجار عمدتاً روستایی و مبتنی بر خانواده و خویشاوندی بود. روابط خانوادگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و زنان نقش مهمی در مدیریت خانه و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی داشتند. گیلان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، همواره به عنوان یک منطقه استراتژیک در تجارت بین‌المللی مطرح بوده است. این تعاملات نه تنها بر اقتصاد منطقه تأثیر گذاشته، بلکه بر فرهنگ و شیوه زندگی مردم گیلان نیز تأثیرات عمیقی داشته است. فعالیت‌های تفریحی مانند شکار، قهوه‌خانه‌نشینی و مسابقات محلی بخشی از زندگی روزمره مردم گیلان را تشکیل می‌دادند. این فعالیت‌ها نه تنها به عنوان سرگرمی، بلکه به عنوان بخشی از فرهنگ و هویت محلی نیز شناخته می‌شدند. این پژوهش نشان می‌دهد که سفرنامه‌های عصر قاجار به عنوان منابع تاریخی، اطلاعات ارزشمندی درباره شیوه و سبک زندگی اجتماعی گیلانی‌ها ارائه می‌دهند. این اطلاعات نه تنها به درک بهتر از تاریخ و فرهنگ این منطقه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات تطبیقی درباره تأثیر جغرافیا، اقتصاد و فرهنگ بر شیوه‌های زندگی اجتماعی در دیگر مناطق ایران نیز باشد. از دیدگاه نظری، این پژوهش با استفاده از مفاهیم سبک زندگی و منزلت اجتماعی وبر، به تحلیل شیوه زندگی اجتماعی مردم گیلان پرداخته

است. نتایج نشان می‌دهد که شیوه زندگی اجتماعی گیلانی‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله جغرافیا، اقتصاد و فرهنگ شکل گرفته است. این عوامل نه تنها بر سبک زندگی، بلکه بر ساختارهای اجتماعی و روابط خانوادگی نیز تأثیر گذاشته‌اند. انجام مطالعات تطبیقی بین شیوه زندگی اجتماعی مردم گیلان و دیگر مناطق ایران می‌تواند به درک بهتر از تأثیر عوامل جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی بر سبک زندگی کمک کند با توجه به نقش پررنگ زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی گیلان، انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه می‌تواند به درک بهتر از جایگاه زنان در جامعه گیلان کمک کند بررسی تأثیر تعاملات بین‌المللی بر فرهنگ و اقتصاد گیلان می‌تواند به درک بهتر از تحولات اجتماعی و فرهنگی این منطقه کمک کند. استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای مانند تاریخ، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی می‌تواند به تحلیل جامع‌تری از شیوه زندگی اجتماعی مردم گیلان منجر شود. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که سفرنامه‌های عصر قاجار به عنوان منابع تاریخی، نه تنها به توصیف زندگی اجتماعی مردم گیلان پرداخته‌اند، بلکه به تحلیل ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز توجه داشته‌اند. این اطلاعات می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای تحقیقات آینده در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران مورد استفاده قرار گیرد.

منابع و مطالعات

-آزاد ارمکی ، تقی (۱۳۸۹). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام (از آغاز تا دوره معاصر)، تهران: نشرعلم.

اورسل، ارنست (۱۳۷۹). سفرنامه قفقاز و ایران ، ترجمه ی علی اصغر سعیدی ، تهران : انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

-بخشی استاد, موسی الرضا (۱۴۰۱). برنامه ها و منابع آموزشی مدارس عصر صفوی بر اساس سفرنامه های سیّاحان اروپایی. نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام, ۱۶(۳۱)۵۱-۷۴.
https://doi.org/10.22111/jhr.2021.37919.3101 .

-ریتزر، جورج (۱۳۹۳). نظریه جامعه شناسی مدرن، ترجمه ی خلیل میرزایی ، عباس لطفی زاده، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

-فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران : انتشارات صبح صادق.

کوزر، لوییس (۱۳۹۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

–حاجیانی ، ابراهیم(۱۳۸۶). سبک زندگی و مطالعات راهبردی ، الگوهای سبک زندگی ایرانیان ، تهران : پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

–خودزکو، الکساندر (۱۳۸۵). سرزمین گیلان ،ترجمه ی سیروس سهامی ، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.

دنیاری ، سکینه و داودی ، امین (۱۴۰۰). بررسی مشاغل و فعالیت های اقتصادی زنان شهری و روستایی در عصر قاجار براساس سفرنامه ها و اسناد خارجی « مشاغل تولیدی و خدماتی » (۱۲۱۲—۱۳۲۴ه. ق)، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی ، ۱۰ (۲) ۵۷– ۸۸ .

https://doi.org/ 10.30465/sehs.2022.38537.1763 .

–رابینو، یاسنت (۱۳۵۷). ولایات دارالمرز ایران ،ترجمه ی جعفرخمامی زاده ، تهران : انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

–سرنا، کارلا (۱۳۶۲). سفرنامه مادام کارلاسرنا، آدم ها و آیین ها در ایران ، ترجمه ی علی اصغر سعیدی، تهران : انتشارات زوار.

–فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر، ترجمه ی منوچهرامیری، تهران : انتشارات توس.

–مبینی ، مهتاب و فیضی ، مهری (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان دربار و اشراف دوره صفوی و دوره عثمانی براساس سفرنامه ها و تصاویر نگارگری ، مطالعات فرهنگ و هنر آسیا ، ۱(۱) ۲۶۵– ۲۷۸.

https://doi.org/10.30465/acas.2019.2696 .

–مدیر شانه چی ، محسن (۱۳۹۰). تاریخ ۵۰ ساله ایران (تحولات سیاسی – اجتماعی ۱۲۷۰–۱۳۲۰)، تهران : نشرنگاه معاصر.

–مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹). سفرنامه شمال ، ترجمه ی منصوره مافی، تهران ، نشرگسترده.

ملگونف، گریگوری (۱۳۷۶). کرانه های جنوبی دریای خزر، ترجمه ی امیر هوشنگ امینی، تهران ، انتشارات کتابسرا.

–منصوربخت ، قباد و حسینی ، معصومه (۱۳۹۴). آداب ازدواج ایرانیان در دوره قاجار از منظر سفرنامه ها، خردنامه ۱۵، ۱۱۷–۱۴۱.

https://ensani.ir/fa/article/346116/

–نقوی ، منیره سادات و مراثی ، محسن (۱۳۹۱).مطالعه تطبیق کلاه مردان در سفرنامه ها و نگاره های – دوران صفوی با تاکید بر دیوارنگاره های کاخ چهلستون اصفهان ، نشریه مطالعات تطبیقی هنر ، ۲ (۳) ۱– ۱۷.

https://mth.aui.ac.ir/files/site1/pages/Tatbighi__III.pdf .

–کجباف , علی اکبر و مومنی, محسن (۱۳۹۱). تاثیر ناهشیار جمعی در استبداد حکومت صفویه از دیدگاه شاردن. نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام ، ۶ (۱۰) ۱۱۱–۱۳۶.

https://doi.org/10.22111/jhr.2012.1378 .

-ذهابی, مجتبی , الهیاری, فریدون و کجباف, علی اکبر (۱۳۹۸). تحلیلی بر بازتاب چرایی و چگونگی ابعاد و وجوه اعمال قدرت سیاسی شاه عباس در روایت‌های سفرنامه نویسان عصر صفوی. نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام ، ۱۳(۲۵) ۴۷- ۶۶ .

https://doi.org/10.22111/jhr.2019.4967

- هژبریان, حسین . (۱۴۰۰). بررسی رابطه ناپایداری حیات اقتصادی شمال شرقی ایران و حملات ترکمنان با تکیه بر سفرنامه های خارجی (از سقوط صفویان تا پایان عصر ناصری) ، نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۵(۲۸) ۲۸۵-۳۱۶.

https://doi.org/10.22111/jhr.2021.37332.3059

-Asadi, H (2021). Reception Customs in Qajar Dynasty of Iran from the Point of View of European Tourists, International Journal of Multicultural and MultireligiousUnderstanding, V8)9(371-376. http://dx.doi.org/10.18415/ijmmu.v8i9.3004

-Barjesteh, L.A. Ferydoun, Van Doorn, Waalwijk (2007) - Introduction to Entertainment in Qajar Persia, Iranian Studies , Volume 40 , Issue 4: pp. 447 – 454

https://doi.org/10.1080/00210860701476411

-Stubbs, B (2014). Travel writing and the pluralizing of history: a case study from New Australia, Paraguay, A PhD in Communication, University of Canberra.

https://doi.org/10.26191/m3b8-6y57

-Talaei, H, ZahraPour, A F, Salimi, K, (2015). Social and Cultural Images of Qajar-Iran Customs in European Travel Diaries. Asian Culture and History.